

زیارت در سیره معصومین علیهم السلام

محمود شریفی



اعتقاد به معاد یکی از مهم ترین ارکان اعتقادی و اصول دین به شمار می‌رود و قرآن هم روی آن بسیار تأکید کرده و آیات فراوانی را به آن اختصاص داده است. توجه به روز قیامت و یادآوری آن، برای تربیت انسان و حفظ انسان از افتادن در مسیرهای انحرافی، نقش بسیار مهمی دارد.

از این رو، رفتن به زیارت قبور، به ویژه قبور انسان‌های وارسته، از جایگاه خاصی برخوردار است که ملت‌های مختلف جهان و به ویژه خداپرستان عالم، آن را کاری پسندیده دانسته، به آن عمل می‌کنند.

اسلام نیز که کامل ترین ادیان است، آن را تجویز و تأیید کرده است. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و جانشینان او در سخنان خود، مردم را به رفتن به زیارت قبور اولیای الهی

و مؤمنین فرا خوانده‌اند و احادیث فراوانی درباره تشویق و ترغیب به زیارت قبور، به ویژه قبور ائمه علیهم‌السلام، در حد تواتر به ما رسیده که در کتاب‌های حدیثی ثبت شده‌اند. پیشوایان دین علاوه بر گفتار فراوانی که در این زمینه دارند، در عمل نیز خود پیشتاز بوده و پیروان خود را به این سیره حسنه و بزرگداشت یاد و خاطره گذشتگان و بهره‌گیری از روح بلند و ملکوتی آنان و خودسازی، راهنمایی کرده‌اند که در این جا به مواردی از آن الگوها اشاره می‌کنیم:

سیره زیارتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در کتاب‌های اهل سنت الف. زیارت بقیع

۱. ابن ماجه در سنن خود این چنین آورده است:

عن عائشة قالت: فقدتہ - تعنی النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم - فاذا هو بالبقیع فقال: السلام علیکم دار قوم مؤمنین، انتم لنا فرط و انا بکم لاحقون، اللهم لا تحرمنا اجرهم و لا تفتنا بعدهم؛

عایشه می‌گوید: پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را گم کرده بودم - و به دنبالش می‌گشتم - آن گاه او را در بقیع یافتم که می‌فرمود: سلام بر شما باد ای کسانی که در خانه گروه مؤمنان هستید! شما پیش فرستادگان ما هستید و ما هم به زودی به شما ملحق خواهیم شد، - سپس چنین دعا کرد - خدایا از پاداش آنان ما را محروم مگردان و ما را پس از آنان، مورد آزمایش قرار مده.

۲. ابن شهبه نیز از همسر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چنین نقل کرده است:

عن عائشة قالت: خرج رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم من عندی، فظننتُ انه خرج إلى بعض نسائه، فتبعته حتى جاء البقیع فسلم و دعا ثم انصرف، فسألته: أين كنت؟ فقال: انی أمرت أن أتى أهل البقیع فأدعو لهم و أصلی علیهم؛

رسول خدا از پیش من بیرون رفت؛ من خیال کردم پیش یکی از همسران خود رفت. از او سؤال کردم: کجا بودی؟ فرمود: من مأمور شدم به بقیع بروم و برای آنان دعا کنم و بر آنان درود فرستم.

۳. همچنین ابن شَبَّه از ابی رافع - آزاد شده پیامبر ﷺ - این طور نقل می کند:
عن ابی رافع - مولی رسول الله ﷺ - أن رسول الله ﷺ أتى البقیع فوقف
فدعا و استغفر؛^۲

رسول خدا ﷺ به بقیع آمد و ایستاد؛ سپس دعا و استغفار کرد.

۴. بیهقی در کتاب معروف خود از عایشه چنین نقل کرده است:
كان رسول الله ﷺ كلما كان ليلتها من رسول الله ﷺ يخرج من آخر الليل
الى البقیع فيقول: السلام عليكم، دار قوم مؤمنين آيانا و آياكم ما توعدون،
فإننا ان شاء الله بكم لاحقون، اللهم اغفر لاهل البقیع الغرقد.^۲

ب. زیارت قبر مادر

۱. حاکم نیشابوری چنین نقل کرده است:

زار النبي ﷺ قبر أمه في الف مقنّع فلم ير باكياً أكثر من يومئذ؛^۴
رسول خدا ﷺ با هزار نفر سوار مسلح - در بازگشت از جنگ - به
زیارت قبر مادرش رفت - و بسیار گریست - به طوری که هیچ گاه
بیشتر از این وقت، گریان نبود.

۲. محمد بن سعد گوید:

مرّ رسول الله ﷺ في عمرة الحديبية بالابواء قال: إن الله قد أذن لمحمد في
زيارة قبر أمه فأتاه رسول الله ﷺ فاصلحه و بكى عنده، و بكى المسلمون
لبكاء رسول الله ﷺ فقيل له؟ فقال: ادركتني رحمتها فبكيت؛^۵
پیامبر خدا ﷺ در عمره حدیبیه - سال ششم هجری - به ابواء^۶ که
رسید، فرمود: خداوند به محمد اجازه داد که به زیارت مادرش برود؛
پس پیامبر خدا به آن جا آمد و قبر مادرش را بازسازی کرد و
کنار قبر مادرش گریست و مسلمانان نیز به خاطر گریه آن بزرگوار،
گریستند و بعد آنان به او گفتند: چه شده است؟ فرمود: دلم به یاد مهر
و محبت او افتاد و گریه کردم.

۳. مسلم در صحیح خودش و ابن ماجه^۷ با اسناد خودشان از ابی هریره روایت کرده اند
که او گفت:

زار النبی ﷺ قبر امه فبکی و ابکی من حوله فقال ﷺ: استأذنت ربی فی أن أستغفر لها فلم یأذن لی و استأذنته فی أن ازور قبرها فأذن لی، فزروا القبور فأنها تذکر کم الموت قال النووی فی شرح صحیح مسلم: هو حدیث صحیح بلاشک؛

پیامبر اکرم ﷺ قبر مادرش را زیارت کرد؛ پس آن جا گریست و کسانی را هم که اطراف او بودند، گریاند؛ سپس فرمود: من از خدا خواستم که اجازه دهد برای او استغفار کنم؛ ولی به من اجازه نداد؛ ولی از خدا اجازه خواستم که قبر مطهر او را زیارت کنم؛ پس اجازه داد. بنابراین، شما هم قبرها را زیارت کنید؛ زیرا زیارت قبور، مرگ را یادآوری می‌کند.

نووی در شرح صحیح مسلم گفته است: این حدیث، بدون شک صحیح است. علت این که آنان مسئله اجازه گرفتن پیامبر را در مورد قبر مادرش مطرح کرده‌اند، این است که به اعتقاد آنها مادر پیامبر ﷺ، مشرک بوده است؛ ولی مسلم ثابت است که مادر پیامبر ﷺ، همانند پدران و اجداد پیامبر، مؤمن و موحد بوده است و این توجیه و تفسیر، مخالف با اصول و عقاید اسلامی است و آنان با این تفسیر و تحلیل می‌خواهند مشرک بودن پدران و اجداد خلفا را بدون اشکال جلوه دهند؛ زیرا شیعه معتقد است که امام جامعه، علاوه بر این که خود باید موحد باشد، پدر و اجداد وی هم باید موحد باشند.

ج. زیارت عثمان بن مظعون

مؤلف کتاب شذرات الذهب می‌گوید: «ابن عماد حنبلی در ضمن بیان حوادث سال دوم هجرت چنین آورده است:

و فیما توفی عثمان بن مظعون القرشی الجمحی و هو اول من المهاجرین بالمدينة بعد رجوعه من بدر، و قبله النبی ﷺ و هو میت، و کان یزوره؛^۸
در سال دوم هجری، عثمان بن مظعون وفات کرد و او نخستین مهاجر به مدینه بود که پس از بازگشت از جنگ بدر، از دنیا رفت و پیامبر اکرم ﷺ او را که مرده بود، بوسید و مرتب او را زیارت می‌کرد.

ابن ابی الحدید به نقل از واقدی چنین آورده است:

مرّ رسول الله ﷺ علی قبر مصعب بن عمیر، فوقف علیه و دعا و قرأ: (من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدّلوا تبديلاً) ثم قال: ان هولاء شهداء عند الله یوم القیامة، فأتوهم فزروهم و سلّموا علیهم، و الذی نفسی بیده لا یسلّم علیهم احد الی یوم القیامة الا ردّوا علیه؛^۹

وقتی رسول خدا ﷺ در حال عبور به قبر مصعب بن عمیر رسید، ایستاد و دعا کرد؛ سپس آیه «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» را خواند و سپس فرمود: «اینها روز قیامت پیش خدا جزء شهدا هستند؛ پس کنار این شهدا بیایید و آنان را زیارت کنید و بر آنان سلام کنید؛ سپس اضافه کرد: قسم به کسی که جانم در دست اوست، هر کسی تا روز قیامت بر آنان سلام کند، آنان جواب سلام او را می‌دهند.

د. زیارت شهدای احد

۱. عباد بن ابی صالح می‌گوید:

ان رسول الله ﷺ کان یأتی قبور الشهداء بأحد علی رأس کل حول فیقول: السلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار. ۱۰ قال و جاءها ابوبکر ثم عمر ثم عثمان.^{۱۱}

رسول خدا ﷺ هر سال به زیارت قبور شهدای احد می‌آمد و چنین می‌فرمود: «سلام و درود بر شما به واسطه صبر و تحملی که از خود نشان دادید! سرای آخرت چه سرای نیکویی است؛ سپس افزود: ابوبکر و عمر و عثمان نیز برای زیارت قبور شهدا می‌آمدند.

۲. عبد الاعلی بن عبدالله بن ابی مروه از پدرش چنین نقل می‌کند:

انّ النبی ﷺ زار قبور الشهداء بأحد فقال: اللهم انّ عبدک و نبیک یشهد انّ هؤلاء شهداء، و أنّه من زارهم و سلم علیهم الی یوم القیامة ردّوا علیه؛^{۱۲}

پیامبر عظیم الشان، قبور شهدای احد را زیارت می‌کرد و در زیارتش خطاب به آنان چنین می‌فرمود: خدایا! بنده ات و پیامبرت، شهادت می‌دهد که اینها شهیدند و هر کس آنان را تا روز قیامت زیارت کند، آنان جواب سلام او را می‌دهند.

پیامبر عظیم الشان، قبور شهدای احد را زیارت می‌کرد و در زیارتش خطاب به آنان چنین می‌فرمود: خدایا! بنده ات و پیامبرت، شهادت می‌دهد که اینها شهیدند و هر کس آنان را تا روز قیامت زیارت کند، آنان جواب سلام او را می‌دهند.

۳. ابی داوود از طلحة بن عبیدالله چنین آورده است:

خرجنا مع الرسول ﷺ یرید قبور الشهداء حتی اذا اشرفنا علی حرّة واقم فلما تولینا منها و اذا قبور بمنحنیة قال قلنا: یا رسول الله اقبور اخواننا هذه؟ قال: اصحابنا فلما جئنا قبور الشهداء قال: هذه قبور اخواننا؛^{۱۳}

ما همراه رسول خدا ﷺ که عازم زیارت قبور شهدا بود، از شهر بیرون رفتیم؛ تا این که مشرف به حره واقم^{۱۴} شدیم. هنگامی نزدیک آن جا رسیدیم، آن جا قبوری در بلندی واقع شده بودند. در این هنگام به رسول خدا ﷺ گفتیم: ای رسول خدا! آیا اینها قبور برادران ما هستند؟ فرمود: اینها قبور اصحاب ماست. هنگامی که نزدیک قبور شهدا آمدیم، فرمود: اینها قبور برادران ماست.

هـ زیارت قبور با پای پیاده

طبرانی با اسناد خود از ابن عمر نقل کرده است که روش پیامبر اکرم ﷺ در زیارت چنین بود:

كان رسول الله ﷺ یذهب الی الجبان ماشياً و یرجع ماشياً؛^{۱۵}

رسول خدا ﷺ برای زیارت قبور، پیاده می‌رفت و پیاده هم بر می‌گشت.

سیره زیارتی پیامبر ﷺ در کتاب‌های شیعه

۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

لا تدع اتيان المشاهد كلها مسجد قبا فإنه المسجد الذي اسس على التقوى من أول يوم و مشربة أم ابراهيم و مسجد فضيغ و قبور الشهداء و مسجد الاحزاب و هو مسجد الفتح، قال: و بلغنا ان النبي ﷺ كان اذا اتى قبور الشهداء قال: السلام عليكم بما صيرتم فنعم عقبى الدار...؛^{۱۶}

زیارت همه مشاهد مشرفه را همانند مسجد قبا که از روز اول بر پایه تقوا بنا نهاده شد و مشربه ام ابراهیم و مسجد فضیغ و قبور شهدا و مسجد احزاب را که همان مسجد فتح است، رها نکن؛ سپس فرمود: به ما چنین رسیده است که پیامبر ﷺ هنگامی که به زیارت قبور شهدا می‌آمد، چنین می‌فرمود: سلام بر شما به خاطر صبر و بردباری که ورزیدید و سرای آخرت، چه سرای نیکویی است.



کربلا / ضریح امام حسین علیه السلام

۲. امام باقر علیه السلام فرمود:

كان رسول الله صلى الله عليه وآله اذا مرّ بقبور قوم مؤمنين قال: السلام عليكم من ديار قوم مؤمنين، وانا ان شاء الله بكم لاحقون؛^{۱۷}
رسول خدا صلى الله عليه وآله هنگامی که از کنار قبور مؤمنان می‌گذشت، چنین می‌فرمود: از ديار مؤمنان بر شما سلام باد و اگر خدا بخواهد، ما به شما ملحق خواهیم شد.

۳. مرحوم شیخ مفید می‌نویسد:

پیامبر عظیم الشان در زمان حیاتش دستور می‌داد که به زیارت حضرت حمزه سیدالشهدا علیه السلام بروید و خودش نیز به زیارت شهدا می‌رفت و حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها نیز پس از رحلت پیامبر صلى الله عليه وآله مرتب به زیارت قبر حضرت حمزه می‌رفت و مسلمانان نیز به زیارت او رفته، ملازم قبر او می‌شدند.^{۱۸}

۴. دیلمی می‌گوید:

رسول خدا صلى الله عليه وآله هنگامی که به قبرستان وارد می‌شد، خطاب به مردگان چنین می‌فرمود:
سلام بر شما ای جسمان فانی شده و استخوان‌های پوسیده شده و از دنیا خارج شده.
سپس می‌فرمود:

خدایا بر آنان آسایش و راحتی عنایت فرما و سلامی از ما و خودت
که ارحم الراحمین هستی، به آنان برسان.^{۱۹}

سیره زیارتی امیر المؤمنین علیه السلام

۱. ذیال بن حرمه می‌گوید:

كان علي بن ابي طالب عليه السلام يقدر و يروح على قبر رسول الله صلى الله عليه وآله بعد وفاته و يبكي تفجيعا ثم يقول: يا رسول الله ما احسن الصبر الا عنك و اقبح البكاء الا عليك.

ما غاض دمعي عند نازلة
و اذ ذكرتک میناً سفحت
الا جعلتک للبكاء مسبباً
منی الجقون ففا فی وانسکبا

ثم یرمغ وجهه فی التراب و یمیکی و یندب و یدکر ما حلّ به بعده و یقول
بعد ذلک:

ماذا علی من شمّ تربة احمد الا یشمّ مدى الزمان غوالیا
صبت علی مصائب لو أنّها صبت علی الايام عون لیالیا^{۲۰}

علی بن ابی طالب علیه السلام پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مرتب نزد قبر آن بزرگوار می‌رفت و می‌گریست و سپس می‌فرمود: بردباری زیباست؛ مگر در مصیبت تو و گریه ناپسند است؛ مگر بر تو و سپس می‌فرمود: هرگز اشکم در مشکل و مصیبتی کم نشد؛ مگر آن که تو را سبب گریه قرار دادم. چون از تو یاد می‌کنم، اشک چشمانم سخاوتمندانه سرانیر می‌شود

علی بن ابی طالب علیه السلام پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مرتب نزد قبر آن بزرگوار می‌رفت و می‌گریست و سپس می‌فرمود: بردباری زیباست؛ مگر در مصیبت تو و گریه ناپسند است؛ مگر بر تو و سپس می‌فرمود: هرگز اشکم در مشکل و مصیبتی کم نشد؛ مگر آن که تو را سبب گریه قرار دادم. چون از تو یاد می‌کنم، اشک چشمانم سخاوتمندانه سرانیر می‌شود.

بعد امام علیه السلام صورتش را بر خاک می‌گذاشت و گریه و زاری می‌کرد و از آن چه بعد از پیامبر به او رسیده، یاد می‌کرد و می‌فرمود: آن کس که خاک تربت احمد را می‌بوید، او را چه زیان اگر در طول روزگار، بوی عطری را استشمام نکند. مصیبت‌هایی بر من فرود آمدند که اگر بر روزها فرود می‌آمدند، به شب تبدیل می‌شدند».

۲. روایت شده که امیر مؤمنان علی علیه السلام هر هفته قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه علیها السلام را زیارت می‌کرد و این اشعار را می‌خواند:

الی الله اشکولاً الی الناس اننی
أری الحلق تبقی و الأخلأ تذهب
اخلائی لو غیر الحمام أصابکم
عتبت و لکن ما علی الموت معتب^{۲۱}

من به خدا شکایت می‌کنم؛ نه به مردم که من می‌بینم زمین باقی است و دوستان می‌روند. دوستان من! اگر غیر مرگ به سراغ شما می‌آمد، او را سرزنش می‌کردم؛ ولی بر مرگ ملامتی نیست.

۳. قاضی نعمان می‌گوید:

عن علی علیه السلام انه كان اذا مرّ بالقبور قال: السلام عليكم يا اهل الدار فإننا بكم لاحقون ثلاث مرّات؛^{۲۲}

علی علیه السلام هنگامی که به قبور می‌رسید، سه بار می‌فرمود: سلام بر شما ای اهل خانه! پس ما هم به شما ملحق خواهیم شد.

۴. متقی هندی به نقل از حارث می‌گوید:

كان علی علیه السلام اذا أتى القبور قال: السلام عليكم علی اهل الدیار من المؤمنین و المسلمین؛^{۲۳}

علی علیه السلام وقتی به زیارت قبور می‌آمد، می‌فرمود: سلام بر شما ای اهل خانه مؤمنان و مسلمانان!

۵. ابن صباغ مالکی می‌گوید:

و روی جعفر بن محمد علیه السلام قال: لما ماتت فاطمة علیها السلام كان علی یزور قبرها فی کل یوم؛^{۲۴}

امام صادق علیه السلام چنین روایت کرده است: زمانی که حضرت فاطمه علیها السلام رحلت کرد، علی بن ابی طالب علیه السلام هر روز قبر آن حضرت را زیارت می‌کرد.

سیره زیارتی فاطمه زهرا علیها السلام

۱. ابن صباغ مالکی می‌گوید: از علی علیه السلام نقل شده که فرمود:

ان فاطمة بنت رسول الله صلی الله علیه و آله جاءت الی قبر ابیها بعد موته صلی الله علیه و آله فوقف علیه و بکت ثم اخذت قبضة من تراب القبر فجعلتها علی عینها و وجهها و انشأت تقول:

ماذا عليّ من شمّ تربة احمد ان لا يشمّ مدى الزمان غواليا

صَبَّتْ علي مصائب لو أنّها صَبَّتْ علي الايام عون لياليا^{٢٥}

فاطمه دختر رسول خدا ﷺ پس از رحلت پدر بزرگوارش، کنار قبرش آمد و گریست؛ سپس مشتی از خاک قبر برداشت و روی صورت و چشم مبارک خود قرار داد [و اشعار فوق را خواند].

۲. از امام صادق عليه السلام نقل شده است که فرمود:

دخلت فاطمة الى المسجد و طافت بقبر ابیها علیه و آله السلام و هی تبکی؛^{٢٦}
فاطمه زهرا عليها السلام، وارد مسجد شد و قبر پدر بزرگوارش را در حال گریه زیارت کرد.

۳. واقدی گفته است:

و كانت فاطمة بنت رسول الله ﷺ تأتيهم [یعنی شهداء احد] بين الیومین و الثلاثة فتبکی عندهم و تدعو؛^{٢٧} فاطمه دختر رسول خدا عليه السلام، دو یا سه روز در میان، کنار قبر شهدای احد می آمد و می گریست و دعا می کرد.

۴. از امام باقر عليه السلام نقل شده است که فرمود:

كانت فاطمة عليها السلام تزور قبر حمزة و تقوم علیه و كانت فی كل سنة^{٢٨} تأتي قبور شهداء مع نسوة معها فیدعون و یتستغفرون؛^{٢٩} فاطمه که درود خدا بر او باد، قبر حضرت حمزه را زیارت می کرد و کنار آن می ایستاد و هر ساله (یا شنبه ها) با جمعی از زنان، کنار قبور شهدا می آمدند و دعا و اسفغان می کردند.

فاطمه دختر رسول خدا ﷺ پس از رحلت پدر بزرگوارش، کنار قبرش آمد و گریست؛ سپس مشتی از خاک قبر برداشت و روی صورت و چشم مبارک خود قرار داد

۵. از امام حسین علیه السلام نقل شده است که فرمود:

إِنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ النَّبِيِّ عليها السلام كَانَتْ تَزُورُ قَبْرَ عَمِّهَا حَمْزَةَ كُلَّ جُمُعَةٍ فَتُصَلِّيُ وَ تَبْكِي عِنْدَهُ؛^{۲۰} فَاطِمَةُ دَخَتْ غَرَامِي بِبَيَابِرِ أَكْرَمِ عليه السلام قَبْرِ عَمُوَيْشِ حَمْزَةَ رَأَى هَرَّ جُمُعَةٍ - يَأْتِي هَرَّ هَفْتَةٍ - زِيَارَتِي مِي كَرْدُ وَ كِنَارِ قَبْرِشِ نَمَازِ مِي خَوَانْدُ وَ گَرِيه مِي كَرْدُ.

از این روایت و بعضی از احادیث گذشته استفاده می شود که دعا، استغفار و نماز خواندن و گریه کردن کنار قبور، جایز است.

۶. سمهودی از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود:

إِنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ عليها السلام كَانَتْ تَزُورُ قَبْرَ حَمْزَةَ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ، تَرَمَّهُ وَ تَصَلِّحُهُ وَ قَدْ تَعَلَّمَتْهُ بِحَجْرٍ؛^{۳۱} حَضْرَتِ فَاطِمَةَ عليها السلام دَخَتْ رَسُوْلَ خُدَا عليه السلام قَبْرِ حَضْرَتِ حَمْزَةَ رَأَى زِيَارَتِي مِي كَرْدُ وَ آن رَا مَرْمَتِ وَ بَازَسَازِي مِي كَرْدُ وَ گَاهِي بَا سَنَگِ عِلَامَتِ گِذَارِي مِي كَرْدُ.

۷. مرحوم کلینی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

عَاشَتْ فَاطِمَةُ عليها السلام بَعْدَ رَسُوْلِ اللَّهِ عليه السلام خَمْسَةَ وَ سَبْعِينَ يَوْمًا لَمْ تُرْكَأْ شِرَةً وَ لَا ضَاحِكَةً تَأْتِي قُبُورَ الشَّهَدَاءِ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ مَرَّتَيْنِ الْاِثْنَيْنِ وَ الْخَمِيْسِ فَتَقُوْلُ: هَا هُنَا كَانَتْ رَسُوْلَ اللَّهِ عليه السلام وَ هَا هُنَا كَانَتْ الْمَشْرُكُوْنَ. وَ فِي رَوَايَةٍ أُخْرَى: [عَنْ] اِبَانَ، عَمَّنْ اَخْبَرَهُ، عَنْ اَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام اِنَّهَا كَانَتْ تُصَلِّيُ هُنَاكَ وَ تَدْعُو حَتَّى مَاتَتْ؛^{۳۲}

حَضْرَتِ فَاطِمَةَ عليها السلام بَعْدَ از رَحَلَتِ بِيَابِرِ عليه السلام هَفْتَادِ وَ پَنجِ رُوْزِ زَنْدَگِي كَرْدُ وَ هِيْجِ وَ قَتِ دَرِ اَيْنِ دُوْرَانِ، شَادُ وَ خَنْدَانِ دِيْدِه نَشْدُ؛ هَرِ هَفْتِه دُو بَارِ، يَعْني رُوْزِهَایِ دُوْشَنَبِهِ وَ پَنجَشَنَبِهِ، كِنَارِ قَبْرِ شَهَدَا مِي آْمَدُ [وَ پَسِ از زِيَارَتِ] مِي فَرْمُوْدُ: اَيْنِ جَا، رَسُوْلَ خُدَا عليه السلام بُوْدُ وَ اَيْنِ جَا، مَشْرُكِيْنَ بُوْدَنْدُ. دَرِ رَوَايَتِ دِيْگَرِي از اِمَامِ صَادِقِ عليه السلام نَقْلِ شُدِه كِه حَضْرَتِ فَاطِمَةَ عليها السلام تَا زَنْدِه بُوْدُ، آن جَا نَمَازِ مِي خَوَانْدُ وَ دَعَا مِي كَرْدُ.

۸. شیخ طوسی از امام صادق علیه السلام چنین نقل کرده است:
 أَنَّ فَاطِمَةَ علیها السلام كَانَتْ تَأْتِي قُبُورَ الشَّهَدَاءِ فِي كُلِّ غَدَاةٍ سَبْتِ فَتَأْتِي قَبْرَ حَمْزَةَ
 وَ تَتَرَحَّمُ عَلَيْهِ وَ تَسْتَغْفِرُ لَهُ؛ حضرت فاطمه علیها السلام هر صبح روز شنبه، سر
 قبر حضرت حمزه می آمد و برای او رحمت می فرستاد و استغفار
 می کرد.

سیره زیارتی امام حسن مجتبی علیه السلام

نه تنها ائمه معصوم علیهم السلام در زمان حیات خود قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، شهدا و صالحان را
 زیارت می کردند، بلکه آن طور که از احادیث برمی آید، حتی وصیت و سفارش
 می کردند که پس از شهادتشان نیز - همان طور که امروز هم بین مسلمانان موسوم
 است - جنازه آنان را برای تجدید عهد با اولیای الهی، کنار قبور آنان ببرند؛ تا با آنان
 تجدید عهد شود.

۱. مرحوم کلینی از امام باقر علیه السلام چنین آورده است:

عن محمد بن مسلم قال سمعت ابا جعفر علیه السلام يقول: لما احتضر الحسن بن
 علی علیه السلام قال للحسین: یا اخی انّی اوصیک بوصیة فاحفظها، فاذا انا متُّ
 فهیئن، ثم وجهنی الی رسول الله صلی الله علیه و آله لاحدث به عهداً، ثم اصرفنی الی امی
 فاطمه علیها السلام ثم ردّنی فادفنی بالبقیع...^{۳۳}

محمد بن مسلم می گوید از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود:
 هنگامی که امام حسن علیه السلام در حال احتضار به سر می برد، به امام
 حسین علیه السلام فرمود: ای برادرم! وصیتی به تو می کنم؛ پس آن را
 محافظت کن و عمل کن؛ زمانی که من از دنیا رفتم، مرا مهیا کن
 (کارهای غسل و حنوط و نماز را انجام بده) سپس مرا به سوی قبر
 رسول خدا صلی الله علیه و آله ببر؛ تا با او تجدید عهد کنم و پس از آن مرا به سوی
 قبر مادرم فاطمه علیها السلام برده، سپس برگردان و در بقیع دفن کن».

۲. شیخ مفید از زید مخارقى چنین نقل کرده است:

لما حضرت الحسن علیه السلام الوفاة استدعى الحسين علیه السلام و قال یا اخی، ائی مفارقتک و لاحق برّی... فاذا قضیت فغمّضنی و غسلنی و کفّنی و احمّلتنی علی سریری الی قبر جدّی رسول الله صلی الله علیه و آله لأجدّ به عهداً ثمّ ردّنی الی قبر جدّتی فاطمة بن اسد علیه السلام فادفنی هناک...؛^{۳۴} آن گاه که امام حسن علیه السلام در آستانه شهادت بود، امام حسین علیه السلام را پیش خود خواند و گفت: برادرم! تو را ترک می‌کنم و به پروردگارم می‌پیوندم... منتظر باش؛ پس وقتی که از دنیا رفتم، چشم‌هایم را ببند؛ غسل ده؛ کفنم کن و جسدم را بر روی تختی گذاشته، به سوی قبر جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله ببر؛ تا با او عهدی تازه کنم؛ سپس مرا به سوی قبر مادر بزرگم، فاطمه بنت اسد علیه السلام برگردان و آن جا دفنم کن....

به طور قطع، کسی که چنین وصیت‌هایی را به خاندانش می‌کند، در زمان حیات خود هم به زیارت قبر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و شهدا - که به تعبیر قرآن مثل پیامبر زنده‌اند و نزد خدا روزی می‌خورند - می‌رفته است؛ اما با توجه به مظلومیت و محدودیتی که امام مجتبی علیه السلام در زمان خود دچارش شد، تاریخ حوادث و وقایع زندگی او به طور دقیق برای ما نقل نشده است و طبیعی است که این قسمت از زندگی او هم برای ما نقل نشده باشد.

سیره زیارتی امام حسین علیه السلام

۱. حمیری از امام صادق علیه السلام و او از پدرش امام باقر علیه السلام چنین آورده است:

انّ الحسین بن علی کان یزور قبر الحسن علیه السلام کل عشیة جمعة؛^{۳۵}

امام حسین علیه السلام شام هر شب جمعه، قبر امام حسن علیه السلام را زیارت می‌کرد.

۲. مرحوم شیخ صدوق و مرحوم مجلسی می‌گویند:

زمانی که امام حسین علیه السلام خواست از سرزمین حجاز (مدینه) به عراق

برود، به زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و وداع کرد.^{۳۶}

روایت شده که امام حسین علیه السلام، زمینی را که قبر او در آن واقع شده است، از مردم نینوا و غاضریه به شصت هزار درهم، خریداری کرد و آن را به ایشان صدقه داد و شرط کرد تا [مردم را] به قبرش، راهنمایی کنند و تا سه روز از زائرانش پذیرایی کنند.

۳. در جریان کربلا از امام حسین علیه السلام چنین نقل شده است:

روی آنه اشتری النواحی الّتی فیها قبره من اهل نینوی و الغاضریّة بستین الف درهم و تصدّق بها علیهم و شرط علیهم ان یرشدوا الی قبره و یضیفوا من زاره ثلاثة ایام؛^{۳۷}

روایت شده که امام حسین علیه السلام، زمینی را که قبر او در آن واقع شده است، از مردم نینوا و غاضریه به شصت هزار درهم، خریداری کرد و آن را به ایشان صدقه داد و شرط کرد تا [مردم را] به قبرش، راهنمایی کنند و تا سه روز از زائرانش پذیرایی کنند.

از این حدیث به خوبی استفاده می‌شود که در آن زمان، زیارت قبور و به ویژه قبور معصومین علیهم السلام، بین مردم مرسوم بوده که امام حسین علیه السلام علاوه بر این که خود به زیارت قبر جدش و برادرش و دیگران می‌رفته، به مردم نینوا و غاضریه (کربلا) در زمان حیات خودش نیز سفارش می‌کند که مردمی را که به زیارت قبر مبارک او خواهند آمد، راهنمایی کنند و از آنان پذیرایی کنند و زمین‌های محل قبر و اطراف آن را که طبق روایت منقول از امام صادق علیه السلام، حدود هشت کیلومتر در هشت کیلومتر بوده است،^{۳۸} خریداری و وقف می‌کند؛ تا زائرین قبرش با خیال آسوده به زیارتش بیایند و در آسایش باشند.

سیره زیارتی امام سجاد علیه السلام

۱. صاحب کتاب «فرحة الغری» درباره قبر امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام چنین آورده است:

قال الامام علی بن الحسین علیهما السلام فی حدیث لابی حمزة: هل لك ان تزور معی قبر جدی علی بن ابی طالب علیهما السلام قلت: اجل، فسرتُ فی ظلّ ناقته یحدّثنی حتی اتینا الغریین - و هی بقعة بیضاء تلمع نوراً - فنزل عن ناقته و مرّغ حدیه علیها و قال: یا ابا حمزة هذا قبر جدی علی بن ابی طالب علیهما السلام، ثم زاره بزيارة اولها: السّلام علی اسم الله الرّضی و نور وجهه المّضیء، ثم ودّعه و مضی الی المدینة؛^{۳۹}

امام زین العابدین علیه السلام طبق روایتی به ابی حمزه فرمود: «آیا با من به زیارت قبر جدّم علی بن ابی طالب علیهما السلام می آیی؟ گفتم: بله، می آیم؛ من همراه او در سایه شتر او حرکت می کردم و او با من گفتگو می کرد؛ تا این که به نجف، محل دفن علی علیهما السلام رسیدیم - که قطعه ای نورانی و سفید بود و می درخشید - پس امام از شترش پایین آمد و صورتش را روی آن گذاشت و فرمود: ای اباحمزه! این قبر جدّم علی بن ابی طالب علیهما السلام است؛ سپس زیارتی را خواند که اول آن چنین بود: سلام بر اسم خدایی که خشنود است و بر نور صورتش که روشنی بخش است... سپس وداع کرد و به مدینه آمد.

۲. مرحوم کلینی از امام باقر علیهما السلام نقل کرده فرمود:

كان ابی علی بن الحسین علیهما السلام یقف علی قبر النبی صلی الله علیه و آله فیسلمّ علیه و یشهد له بالبلاغ و یدعو بما حضره ثم یسند ظهره الی المروة الخضراء الدقیقة العرض ممّا یلی القبر و یلتزق بالقبر و یسند ظهره الی القبر و یستقبل القبلة فیقول:....؛^{۴۰}

پدرم حضرت علی بن الحسین علیه السلام می آمد کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می ایستاد و بر او سلام می کرد و شهادت به ابلاغ رسالت آن بزرگوار می داد و به آن چه در نظرش بود، دعا می کرد؛ سپس پشت خود را به سنگ سبز کم عرض کنار قبر مطهر تکیه می داد و به قبر می چسبید و کمر خود را به قبر تکیه می داد و رو به قبله کرده، دعا می کرد.

۳. صاحب کتاب شفاء العزام بنقل از امام صادق علیه السلام آورده است:

عن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب، عن ابیه، عن جدّه علیه السلام أنّه کان اذا جاء یسلّم علی النبی صلی الله علیه و آله وقف عند الاسطوانة التي ممّا یلی الروضة فسلم...^{۲۱}

امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش نقل کرده است که امام زین العابدین علیه السلام هنگامی که برای سلام دادن به پیامبر صلی الله علیه و آله می آمد، نزدیک ستونی که پهلوی روضه بود، می ایستاد؛ سپس سلام می کرد.

۴. سید بن طاووس چنین آمده است:

قال محمد بن علی علیه السلام فخرج [علی بن الحسین علیه السلام] سلام الله علیه متوجها الى العراق لزيارة امير المؤمنين علیه السلام و انا معه و لیس معنا ذو روح الا التاقیتین، فلما انتهى الى النجف من بلاد الكوفة و صار الى مكانه منه، فبکا حتى اخضلت لحيته بدموعه ثم قال: السلام عليك يا امير المؤمنين و رحمة الله و برکاته... ثم وضع خدّه علی القبر و قال: اللهم انّ قلوب المختبین الیک والهة...^{۲۲}

امام باقر علیه السلام فرمود: امام علی بن الحسین علیه السلام برای زیارت قبر امیرالمؤمنین علیه السلام، به سوی عراق حرکت کرد و من هم با آن بزرگوار بودم و فرد دیگری با ما نبود. زمانی که او به نجف و محل قبر رسید، گریست و محاسن مبارکش با اشک هایش تر شد و سپس فرمود: سلام بر تو ای امیر مؤمنان و رحمت و برکات خدا بر تو باد... سپس صورتش را روی قبر گذاشت و می فرمود: اللهم انّ...

سیره زیارتی امام باقر علیه السلام

ابن عساکر از قیس بن نعمان چنین نقل می‌کند:

روزی به سوی یکی از قبرستان‌های مدینه رفتم؛ ناگاه دیدم کودکی در کنار قبری نشسته و به شدت می‌گرید و چهره‌اش نورافشانی می‌کند؛ نزد او رفته، گفتم ای کودک! از غم چه می‌نالی و چه دیدی که تو را به تنهایی و خلوت در خانه مردگان و گریه بر بدن‌های پوسیده وا داشته است؛ در صورتی که اول نوجوانی و شادابی توست و باید تو را از گذشت روزگار و ناله‌های اندوهبار باز دارد؟

قیس می‌گوید: او سرش را بلند کرد و بعد پایین انداخت و در اندیشه پاسخ بود؛ پس سرش را بلند کرد و گفت:

انَّ الصَّبِيَّ صَبِيَّ الْعَقْلِ لِاصْغَرِ اَزْرَى بَدَى الْعَقْلِ فَيُنَالُ لَا وَ لَا كَبِرِ
کودکی از آن کسی است که عقل کودکانه داشته باشد و گرنه انسان‌های عاقل، نه از خردی گزند بینند و نه از بزرگی.

سپس به من گفت: چه می‌گویی؟ گویا سری فارغ از اندیشه و دلی سالم از سوز و گداز داری! آیا بر اثر آرزوهای دراز از نزدیکی مرگ در امانی؟

آن چیزی که مرا به تنهایی و خلوت در خوابگاه مردگان وا داشته است، کلام خداوند متعال است که فرمود: (فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَى رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ)؛^{۴۳} به ناگاه همه به سرعت از قبرها به سوی خدا می‌شتابند. گفتم: پدر و مادرم به فدایت باد! تو کیستی؟ من چه سخن زیبایی می‌شنوم! فرمود: یکی از بدبختی‌های گرفتاران (به دنیا) کمی شناخت آنان نسبت به فرزندان پیامبر است. من محمد بن علی بن الحسین بن علی هستم و این هم قبر پدرم می‌باشد. راستی کدام انس و الفتی، مأنوس‌تر از نشستن در نزد پدر می‌باشد و چه وحشتی است که بتواند در این جا دوام آورد؛ سپس اشعاری را خواند.^{۴۴}

سیره زیارتی امام صادق علیه السلام

۱. مرحوم علامه مجلسی با اسناد از صفوان جمال چنین نقل می کند:

لما وافیت مع جعفر الصادق علیه السلام یرید ابا جعفر المنصور قال لی: یا صفوان انخ الراحله فهذا قبر جدی امیر المؤمنین علیه السلام فانختها، ثم نزل فاغتسل و غیر ثوبه و تحفی... ثم مشی و مشیت معه و علینا السکینة و الوقار نسبح و نقدّس و نهلّل الی ان بلغنا الذکوات، فوقف علیه السلام و نظر یمنة و یسرة و خط بعکازته فقال لی: اطلب فطلبت فاذا اثر القبر ثم ارسل دموعه علی خدّه و قال: انا لله و انا الیه راجعون و قال: السلام علیک ایها الوسی البرّ التقی... ثم قام فصلی عند الرأس رکعات و قال یا صفوان من زار امیر المؤمنین علیه السلام بهذه الزيارة و صلی بهذه الصلاة رجع الی اهله مغفوراً ذنبه مشکوراً سعبه و ینتبه له ثواب کل من زاره من الملائكة...^{۲۵}

زمانی که با امام صادق علیه السلام به کوفه رسیدیم، امام قصد داشت پیش ابوجعفر منصور برود. امام علیه السلام فرمود: ای صفوان! کجاوه را پایین بیاور؛ این قبر جدم امیرالمؤمنین علیه السلام است. من کجاوه را پایین آوردم؛ سپس پیاده شد و غسل کرد و لباس خود را عوض کرد و پابرنه نه شد؛ سپس راه افتاد و من هم با او حرکت کردم و با آرامش در حالی که تسبیح می گفتیم و مشغول ذکر بودیم، راه می رفتیم؛ تا این که به ذکوات رسیدیم. پس امام علیه السلام ایستاد و به چپ و راست نگاه کرد، و با عصایش علامت گذاری کرد و فرمود: جستجو کن. من هم جستجو کردم؛ تا این که اثر قبر پیدا شد. در این هنگام، اشک های امام روی صورتش جاری شد و فرمود: (اَنَا اللَّهُ وَ اَنَا إِلَیْهِ رَاجِعُونَ) و بعد فرمود: سلام بر تو ای جانشین نیک و پرهیزگار و... سپس چند رکعت نماز نزد بالا سر خواند و فرمود: ای صفوان! کسی که امیر مؤمنان را به این نحو زیارت کنی و این گونه نماز بخواند، به سوی خاندانش با آمرزش گناهان و سعی مشکور باز می گردد و ثواب زیارت همه فرشتگانی که او را زیارت کرده اند، برای او نوشته می شود.

۲. مرحوم کلینی از محمد بن مسعود نقل می کند که او گفت:

رأيت أبا عبد الله عليه السلام انتهى الى قبر النبي صلى الله عليه وآله فوضع يده عليه و...: ^{۴۶}
امام صادق عليه السلام را دیدم که به قبر مطهر پیامبر گرامی اسلام صلى الله عليه وآله رسید؛
پس دست خود را روی قبر گذاشت و... .

۳. ابن قولویه با اسناد خود از مسلمی چنین نقل کرده است:

كان ابو عبد الله عليه السلام يقول اذا دخل الجبّانة: السلام على اهل الجنة: ^{۴۷}
امام صادق عليه السلام هنگامی که وارد قبرستان می شد، چنین می فرمود:
سلام بر اهل بهشت باد.

۴. ورام بن ابی فراسی گوید:

كان جعفر بن محمد عليه السلام ربما ياتي القبور ليلاً ويقول: يا اهل القبور! مالي اذا دعوتكم
لا تجيبون؟ ثم يقول: حيل والله بينهم وبين الجواب و كأنّي اكون مثلهم...: ^{۴۸}
امام صادق عليه السلام گاهی شبانه به زیارت قبور می آمد و می فرمود: ای
اهل قبور! چه شده مرا که وقتی شما را می خوانم، جواب نمی دهید و
سپس می فرمود: به خدا قسم! بین آنان و پاسخ، مانعی پیدا شده است
و مثل این که من هم همانند آنان خواهم شد.



با امام هفتم علیه السلام و هارون در مدینه بودم که آنان آمدند کنار قبر مطهر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و امام کنار قبر مطهر رفت و چنین فرمود: سلام بر تو ای پدر! از خدایی که ترا انتخاب و برگزید و راهنمایی کرد و دیگران را هم توسط شما هدایت کرد می‌خواهم که بر تو درود فرستند.

سیره زیارتی امام هفتم علیه السلام

مرحوم کلینی به نقل از بعضی اصحاب چنین نقل کرده است:

حضرت ابوالحسن الاول علیه السلام و هارون... بالمدينة قد جاؤوا الى قبر النبي صلی الله علیه و آله... و تقدّم ابوالحسن علیه السلام فقال: السلام عليك يا اباه أسأل الله الذي اصطفىك و اجتباك و هداك و هدى بك ان يصلّي عليك...^{۴۹}

با امام هفتم علیه السلام و هارون در مدینه بودم که آنان آمدند کنار قبر مطهر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و امام کنار قبر مطهر رفت و چنین فرمود: سلام بر تو ای پدر! از خدایی که ترا انتخاب و برگزید و راهنمایی کرد و دیگران را هم توسط شما هدایت کرد می‌خواهم که بر تو درود فرستند.

سیره زیارتی امام رضا علیه السلام

۱. صفوان بن یحیی می گوید:

سألت ابوالحسن علیه السلام (ثانی) عن الممرّ في مؤخر مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله و لا أسلم على النبي صلی الله علیه و آله فقال: لم يكن ابوالحسن علیه السلام يصنع ذلك، قلت: فيدخل المسجد فيسلم من بعيد لا يدنو من القبر؟ فقال: لا، قال: سلم عليه حين تدخل و حين تخرج و من بعيد؛^{۵۰}

از امام هشتم علیه السلام سؤال کردم از عبور از آخر مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله، در حالی که سلام بر پیامبر نکنم و بگذرم. امام علیه السلام فرمود: «ابوالحسن، یعنی امام هفتم، چنین عمل نمی‌کند (یعنی بدون سلام بر پیامبر از

مسجد عبور نمی‌کند). گفتیم: پس اگر داخل مسجد بشود و از دور سلام دهد و نزدیک قبر نرود چطور؟ امام علیه السلام فرمود: هنگامی که وارد می‌شوی و بیرون می‌روی و از دور، سلام کن.

۲. مرحوم صدوق از حسن بن علی بن فضال چنین نقل می‌کند:

رأيتُ ابا الحسن الرضا عليه السلام و هو يريد ان يودع للخروج الى العمرة فأتى القبر عن موضع رأس النبي صلى الله عليه وآله بعد المغرب، فسلم على النبي صلى الله عليه وآله و لُزق بالقبر، ثم انصرف حتى اتا القبر فقام الى جانبه يصلي، فالزق منكبه الايسر بالقبر قريباً من الأستوانة التي دون الأستوانة المخلقة عند رأس النبي صلى الله عليه وآله و صلى ست ركعات او ثمان ركعات في نعليه. قال و كان مقدار ركوعه و سجوده ثلاث تسبيحات او اكثر، فلما فرغ سجد سجدة اطال فيها حتى بل عرقه الحصى، قال: و ذكر بعض اصحابه انه الصق خده بارض المسجد؛^{۵۱} امام هشتم علیه السلام را دیدم که قصد وداع و بیرون رفتن برای عمره را دارد؛ پس از مغرب از طرف بالا سر آمد؛ کنار قبر مطهر پیامبر صلى الله عليه وآله و بر پیامبر اکرم سلام کرد و به قبر مطهر چسبید؛ سپس برگشت و در کنار قبر نماز خواند؛ به این شکل که شانه چپ او وصل به قبر بود؛ نزدیک ستونی که پایین‌تر از ستون مخلقه قرار دارد و نزدیک سر مطهر ایستاد و شش یا هشت رکعت نماز خواند که رکوع و سجود او به اندازه سه تسبیح یا بیشتر طول کشید. پس وقتی نماز پایان یافت، سجده‌ای کرد و به قدری سجده را طول داد که عرق او سنگریزه‌ها را مرطوب کرد و بعضی از اصحاب گفتند که صورت خود را بر زمین گذاشت.

۳. صدوق (قدس سره) از محول سجستانی چنین نقل کرده است:

لما ورد البرید باشخاص الرضا عليه السلام الى خراسان كنت انا بالمدينة، فدخل المسجد ليوذع رسول الله صلى الله عليه وآله، فودعه مراراً، كل ذلك يرجع الى القبر و يعلو صوته بالبكاء و النحيب...؛^{۵۲}

هنگامی که نامه برای تبعید کردن امام رضا علیه السلام به خراسان رسید، من در مدینه بودم. امام رضا علیه السلام وارد مسجد شد تا با رسول خدا صلی الله علیه و آله وداع کند. او چند بار وداع کرد و در همه وداع‌ها به طرف قبر بر می‌گشت و با صدای بلند گریه می‌کرد.

سیره زیارتی امام جواد علیه السلام

۱. عبدالله بن رزین که مجاور مدینه الرسول بود، چنین گفته است:

و كان ابو جعفر عليه السلام يحيى في كل يوم مع الزوال الى المسجد فينزل في الصحن و يصير الى رسول الله صلی الله علیه و آله و يسلم عليه و يرجع الى بيت فاطمة عليها السلام في خلع نعليه و يقوم فيصلّي...^{۵۳}

امام جواد علیه السلام هر روز برنامه‌اش این بود که ظهر به مسجد می‌آمد و در صحن مسجد پیاده می‌شد و از آن جا می‌آمد کنار قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و بر آن بزرگوار سلام می‌کرد و از آن جا با پای برهنه به طرف خانه حضرت فاطمه علیها السلام می‌رفت و آن جا می‌ایستاد و نماز می‌خواند...

امام جواد علیه السلام هر روز برنامه‌اش این بود که ظهر به مسجد می‌آمد و در صحن مسجد پیاده می‌شد و از آن جا می‌آمد کنار قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و بر آن بزرگوار سلام می‌کرد و از آن جا با پای برهنه به طرف خانه حضرت فاطمه علیها السلام می‌رفت و آن جا می‌ایستاد و نماز می‌خواند...

۲. مرحوم کلینی با اسناد خود از یحیی بن اکثم - قاضی سامرا - این طور نقل کرده است:

قال: بينا انا ذات يوم دخلت اطوف بقبر رسول الله صلی الله علیه و آله فرأيت محمد بن عليّ الرضا عليه السلام يطوف به...^{۵۴}

روزی وارد مسجد شدم تا قبر رسول خدا را زیارت کنم که در این هنگام دیدم امام جواد علیه السلام، فرزند امام رضا علیه السلام هم مشغول زیارت قبر آن بزرگوار است.

سیره زیارتی امام هادی علیه السلام

ابن قولویه از محمد بن حسن ولید چنین نقل می کند:

روی عن ابی الحسن علیه السلام انه كان يقول عند قبر امیر المؤمنین علیه السلام: السلام علیک یا ولی الله، اشهد انک انت اول مظلوم و اول من غضب حقّه...؛^{۵۵}
از امام هادی علیه السلام نقل شده است که امام علیه السلام - وقتی برای زیارت امیر المؤمنین علیه السلام می آمد - این طور سلام می کرد: سلام بر تو ای ولیّ خدا! شهادت می دهم که تو اول مظلوم عالم هستی و نخستین کسی هستی که حقش غضب گردید.



سیره زیارتی امام حسن عسکری و حضرت مهدی علیه‌السلام

از آن جا که امام حسن عسکری علیه‌السلام اکثر عمر مبارکش را تحت نظر یا در زندان بوده و خلفای عباسی به شدت مراقب آن حضرت بودند؛ تا جایی که حتی امام علیه‌السلام را طبق نقل مرحوم علامه مجلسی در محله‌ای به نام عسکر - محل لشکریان و نظامیان - منزل داده بودند؛ تا کاملاً مراقب او باشند، از این رو، مشهور است که امام عسکری علیه‌السلام حتی به زیارت خانه خدا نیز نتوانست مشرف شود و طبیعی است که از زیارت‌های وی هم چیزی نقل نشده باشد؛ ولی می‌توان گفت قطعاً آن امام نیز مخفیانه یا به طور آشکار به زیارت اجدادش به ویژه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رفته است؛ همانطور که در مورد فرزند بزرگوارش حضرت مهدی علیه‌السلام با این که از نظرها غایب است، نقل شده که افراد صالح و شایسته، آن بزرگوار را در حرم‌های امامان معصوم علیهم‌السلام مشاهده کرده‌اند.^{۵۶}

بنابراین، از احادیث نقل شده از کتاب‌های شیعه و سنی به خوبی استفاده می‌شود که زیارت قبور مؤمنین به ویژه قبور معصومین علیهم‌السلام، مورد ترغیب و تشویق پیامبر عظیم‌الشأن صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و خاندانش بوده است و آنان عملاً هم دیگران را به این موضوع توجه داده و سعی کرده‌اند آنان را به این امر راهنمایی کنند و علاوه بر این از احادیث استفاده می‌شود که ایستادن، نماز خواندن، دعا کردن و طلب استغفار برای خود و مردگان، به ویژه اولیای الهی، در کنار قبر آنان، نه تنها جایز، بلکه کار شایسته و پسندیده‌ای است و بر خلاف عده‌ای از منحرفان از مکتب اسلام - همانند وهابیان - که این اعمال را شرک و زائران را متهم به بت پرستی می‌کنند، نماز خواندن، دعا کردن، استغفار و ایستادن بر سر قبور و زیارت اولیای الهی، کاری شایسته و پسندیده و مورد تأیید و تشویق رهبران دینی بوده است و کتاب‌های حدیثی تشیع و تسنن، این موضوع را اثبات می‌کند.

پی نوشت:

۱. ابن شبّه، تاریخ المدینة المنورة، ج ۱، ص ۹۰؛ احمد حنبل، مسند، ج ۶، ص ۷۶.
۲. ابن شبة، تاریخ المدینة المنورة، ج ۱، ص ۹۴.
۳. سنن الکبری، ج ۸، ص ۵۱؛ موسوعة سنن الرسول الاعظم ﷺ، ص ۵۹۱، ج ۱۷۹۹.
۴. المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۵۳۱، ج ۳۸۹؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۲، ص ۴۴۲، ج ۳۵۵۱۴.
۵. الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۷۸؛ تاریخ بغداد، ج ۷، ص ۲۹۸، شماره ۳۷۹۱ با تلخیص.
۶. ابواء، روستایی میان مکه و مدینه است که در ۲۷ کیلومتری جحفه واقع شده است.
۷. ابن ماجه، سنن، ج ۱، ص ۵۰۱، ج ۱۵۷۲؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۵۳۱، ج ۱۳۹۰؛ نافذة علی زیارة القبور، ص ۷۴.
۸. شذرات الذهب، ج ۱، ص ۹؛ موسوعة الزیارات المعصومین علیهم السلام، مقدمه، ص ۹۶.
۹. شرح نهج البلاغة، ج ۱۵، ص ۴۰؛ وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۹۳۱.
۱۰. رعد، آیه ۲۴.
۱۱. ابن شبّه، تاریخ المدینة، ج ۱، ص ۱۳۲؛ وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۹۳۲.
۱۲. وفاء الوفاء، ج ۹۳۲؛ کنز العمال، ج ۱۰، ص ۳۸۲، ج ۲۹۸۹۷ با تلخیص.
۱۳. ابی داوود، سنن، ج ۲، ص ۲۱۸، شماره ۲۰۴۳؛ سنن الکبری، ج ۸، ص ۵۲، ج ۱۰۴۳۴.
۱۴. حرّه واقم، یکی از دو حرّه شرقیه است؛ حرّه زمینی است که دارای سنگهای سیاه و زمخت است (مجمع البحرین، ج ۱، ص ۴۸۵).
۱۵. المعجم الکبیر، ج ۱۲، ص ۱۳۳۸۲؛ مجمع الزوائد، ج ۳، ص ۵۹.
۱۶. کلینی، کافی، ج ۴، ص ۵۶۰، ج ۱؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۷، ج ۱۸؛ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص ۲۷۵، ج ۱.
۱۷. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۳۳۲، ج ۱۳؛ صدوق، من لا یحضره الفقیه ۱: ۱۷۹، ج ۵۳۲؛ موسوعة سنن الرسول الاعظم، ص ۵۹۰، ج ۱۷۹۶.
۱۸. الفصول المختارة، ص ۱۳۱؛ بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۴۴۴؛ موسوعة سنن الرسول الاعظم، ص ۵۹۱، ج ۱۷۹۸۱.
۱۹. دلمی، ارشاد القلوب، ص ۵۸.
۲۰. قاضی القضائی، دستور معالم الحکم، ص ۱۹۸؛ موسوعة زیارات المعصومین، مقدمه، ص ۱۰۰، ج ۱.
۲۱. احادیث اهل البیت عن طرق اهل السنه، ج ۱، ص ۵۵۱، ج ۷۲۰؛ موسوعة زیارات المعصومین، مقدمه، ص ۱۰۰، ج ۲.
۲۲. دعائم السلام، ج ۱، ص ۲۳۹؛ بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۱۶۹.
۲۳. کنز العمال، ج ۱۵، ص ۷۶۱، ج ۴۲۹۹۷.
۲۴. الفصول المهمة، ص ۱۴۰؛ اثبات الهداة، ج ۵، ص ۳۶، ج ۳۸۰.
۲۵. الفصول المهمة، ص ۱۴۰؛ موسوعة شهادة المعصومین علیهم السلام، مقدمه، ص ۱۲۶، ج ۱۷۹؛ موسوعة زیارات المعصومین، ص ۹۹، ج ۱.
۲۶. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۵۷؛ میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۶۶، ج ۱؛ موسوعة زیارة المعصومین علیهم السلام، ص ۹۹، ج ۱.
۲۷. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، ج ۱۵، ص ۴۰؛ ابن اثیر، البداية و النهایة، ج ۴، ص ۵۱؛ موسوعة زیارة المعصومین علیهم السلام، مقدمه، ص ۹۹.

۲۸. در مستدرک الوسائل به جای کلمه سنة، السبب آمده است؛ یعنی حضرت فاطمه علیها السلام هر روز شنبه همراه زنان به زیارت شهدا می‌آمد.

۲۹. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۳۹؛ بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۱۶۹، ح ۳؛ مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۶۵، ح ۱؛ موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام.

۳۰. مستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۵۳۳، ح ۱۳۹۶؛ وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۹۳۲، (به نقل از امام علی علیه السلام)؛ موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام، مقدمه، ص ۱۰۰.

۳۱. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۹۳۲.

۳۲. کافی، ج ۴، ص ۵۶۱، ح ۴؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۱۶، ح ۱۲؛ عوالم العلوم، ج ۶، ص ۲۳۱، ح ۱۱.

۳۳. کافی، ج ۱، ص ۳۰۲، ح ۳؛ موسوعة شهادة المعصومین علیهم السلام ج ۱، ص ۴۲۰، ح ۶۹۸.

۳۴. مفید، الارشاد، ص ۱۹۲؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۵۵، ح ۲۵.

۳۵. قرب الاسناد، ص ۱۳۹، ح ۴۹۲؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۵۰، ح ۲۱؛ موسوعة کلمات الحسین علیه السلام، ص ۶۵۱، ح ۶۷۴.

۳۶. صدوق، امالی، ص ۱۳۰، مجلس ۳۰ ضمن حدیث ۱؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۱۲، ج ۱.

۳۷. مجمع البحرین، ج ۴، ص ۲۸؛ فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۴۲۵، ح ۳۳۹.

۳۸. معالی السبطين، ج ۱، ص ۲۸۴؛ فرهنگ جامعه سخنان امام حسین علیه السلام، پاورقی صفحه ۴۲۵.

۳۹. فرحة الغری، ص ۴۷؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۵، ح ۳۱.

۴۰. کافی، ج ۴، ص ۵۵۱، ح ۲؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۵۳، ح ۲۰.

۴۱. شفاء الغرام باخيار البلد الحرام، ج ۲، ص ۴۶۲.

۴۲. ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۲۷۳؛ فرحة الغری، ص ۴۰؛ موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام مقدمه، ص ۱۰۲، ح ۱۰.

۴۳. یس، آیه ۵۱.

۴۴. تاریخ ابن عساکر، شرح حال امام سجاد علیه السلام، ص ۱۴۶، ح ۴۲؛ موسوعة شهادة المعصومین علیهم السلام، ج ۳، ص ۶۱، ح ۹۶.

۴۵. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۷۹، ح ۱۵؛ موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام مقدمه، ص ۱۰۳، ح ۱۵ (با تلخیص).

۴۶. کافی، ج ۴، ص ۵۵۲، ح ۴؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۵۰، ح ۱۶.

۴۷. کامل الزیارات، ص ۲۳۲، ح ۱۸؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۹۹، ح ۲۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۶۸، ح ۲۲۱۱.

۴۸. تنبیه الخواطر و زهدة التواظر (مجموعه ورام)، ج ۱، ص ۲۸۴؛ قاضی نورالله شوشتری، احقاق الحق، ج ۲۸، ص ۳۷۵.

۴۹. کافی، ج ۴، ص ۵۵۳، ح ۸ (با تلخیص).

۵۰. کافی، ج ۴، ص ۵۵۲، ح ۶؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۵۶، ح ۲۹.

۵۱. صدوق، عیون الاخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۶، ح ۴۰؛ بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۳۱۴، ح ۵.

۵۲. همان، ص ۲۱۸، ح ۲۶.

۵۳. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۴۲۷؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۹۵.

۵۴. کافی، ج ۱، ص ۳۵۳، ضمن حدیث ۹؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۲۶، ح ۴.

۵۵. کامل الزیارات، ص ۴۱، باب ۱۱، ح ۲؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۶۵، ح ۳.

۵۶. برای اطلاع از این موضوع، می‌توان به کتاب‌های النجم الثاقب و بحار الانوار، ج ۵۱، مراجعه کرد.